

## تحلیل تربیتی- روان‌شناختی آرامش خانواده در پرتو مودت و رحمت با

### نگاهی به هرم سه بعدی نفس انسان

سیداحمد رهنمایی\*

#### چکیده

نظام خانواده از منظر اسلام بر سه رکن بنیادین ایمان و باور اصیل، عواطف و گرایش‌های پایدار و سلوک اخلاقی استوار برقرار می‌گردد. قرآن، ضمن اینکه تشکیل خانواده را یکی از نشانه‌های الهی می‌شمرد، تجلی آیات الهی در زندگی خانوادگی را محور ارکان مزبور دانسته است. این حضور الهی دست‌مایه اصلی حاکمیت آرامش بر فضای خانواده و زمینه‌ساز تربیت شایسته فرزندان است. آفرینش مرد و زن با هویت انسانی یکسان، برقراری ارتباط خاص زناشویی مابین زن و مرد با انگیزه نیل به آرامش، ایجاد مودت و رحمت مابین زوجین در آستانه ازدواج در راستای تدوام بخشیدن به زندگی آرمانی خانوادگی سرشار از آرامش و فراخواندن اهل تفکر به اندیشیدن در خصوص نظام خانواده، از مرحله تشکیل تا پالندگی و گسترش آن به مثابه یکی از آیات الهی، موارد چهارگانه‌ای هستند که خداوند با بیان آنها پرتوی از حضور خویش را ترسیم فرموده است. مقاله پیش رو در صدد است با تکیه بر رهنمودهای قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) و با روش اکتشافی، به استناد منابع موجود، از جمله با اشاره به نظریه «هرم سه بعدی روان انسان» نشان دهد که دو صفت شخصیت مودت و رحمت پشتوانه نیرومندی برای ایجاد و نهادینه‌سازی آرامش و فراهم‌آوری زمینه و شرایط برای تربیت فرزندان در زندگی خانوادگی به‌شمار می‌روند. پیرو چنین تحلیلی، نگرش قرآن در رابطه با جایگاه مودت و رحمت به‌مثابه دو نمونه از تجلیات الهی و نقش آنها در گسترش آرامش به ساحت‌های بینشی، گرایشی و رفتاری اعضای خانواده تبیین می‌گردد تا هر پژوهشگری در تحقیقات بعدی فراتر از تحقیق حاضر، از اصول برگرفته از این تحلیل برای مشاوره خانواده از منظر اسلام بهره‌برداری کند.

واژگان کلیدی: تجلی الهی، صفات شخصیت، مودت، رحمت، خانواده به‌مثابه آیه الهی، آرامش زمینه‌ساز تربیت، هرم سه بعدی نفس انسان.

## **Educational Psychological Analysis of Tranquility in the Family Life Under the Light of Mawadda (Affection) and Rahma (Compassion)**

Seyyed Ahmad Rahnamaei\*

### **Abstract**

Family life from Islamic point of view is established upon three pillars: novel faith, steady morality and firm affections. The Qur'an, considering the family system as one of Divine Signs, regards the manifestation of the Allah signs in family life as the key excel of these three pillars. This divine manifestation is the main instrument for the creation of tranquility over the family atmosphere and lays the groundwork for the appropriate and qualified upbringing of children. Creating a man and a woman with the same human identity, establishing a special marital relationship for them to achieve tranquility, creating affection and compassion between couples on the threshold of marriage to continue an ideal family life full of tranquility, and calling people who think to think of the family system, from the stage of creation to its growth and his development as one of the divine signs, these are four things that Allah has drawn a ray of His presence by expressing them. Relying on the guidelines of the Qur'an and Ahl al-Bayt (a) and using the exploratory method, referring to the available sources, including the 'three-dimensional pyramid of the human psyche' theory, the present paper aims to show that the two personality traits, affection and compassion, are considered as a strong support for creating and institutionalization of tranquility and providing conditions for raising children in family life. Following such an analysis, the approach of the Qur'an to the place of affection and compassion as two examples of divine manifestations and their role in spreading tranquility to the field of family members' insight, attitude, and behavior is explained so that, in his next research, every researcher, beyond the current study, can use the principles derived from this analysis for family counseling from the perspective of Islam.

**Key Words:** Divine manifestations, personality traits, mawadda (affection), rahma (compassion), family as a sign of Allah, tranquility as a foundation of education, three-dimensional pyramid of the human soul

---

\* Member of the faculty of Imam Khomeini Institute, Ph.D, rahnama@qabas.net.

## مقدمه

خانواده از منظر ادیان الهی و به‌ویژه دین اسلام از جایگاه رفیعی برخوردار می‌باشد، به‌گونه‌ای که سهم کلانی از احکام و ارزش‌های اسلامی، از آیین انتخاب همسر گرفته تا ازدواج و فرزندآوری و فرزندداری و امرار معاش، به صورت دستورالعمل و باید و نباید و یا در چارچوب شرح وظایف و مسئولیت‌های زن و شوهر و فرزندان به نظام خانواده تعلق گرفته است. قرآن در موارد متعددی به موضوع خانواده و مسائل و احکام جاری آن پرداخته، در همه این موارد چتر خدامحوری را بر نظام خانواده گسترانده است. بیان مسائل خرد و کلان خانواده توسط قرآن در واقع به‌مثابه تعیین راهبردهای اساسی در تشکیل و استواری خانواده و تربیت شایسته فرزندان بر اساس آموزه‌های قرآنی است. از درون این راهبردها می‌توان به راهکارهای مفید و مؤثری در اداره زندگی خانوادگی و تأمین آرامش و تنظیم شرایط در زندگی دست یافت. در این مقاله، از میان صفات شخصیت دو صفت خُلُق<sup>۱</sup> مودت و رحمت مبتنی بر دو راهبرد بنیادین معنویت و اخلاق خدامحور بیش از هر عامل دیگری مورد توجه و تأکید قرار گرفته است، باشد تا از این رهگذر بتوان به پشتوانه مودت و رحمت راهکارهای مهم و اثربخشی را منتسب به هرم سه بعدی روان شامل بینش و گرایش و کنش انسان در راستای حصول آرامش و فراهم‌سازی زمینه مناسب برای تربیت فرزندان استنباط و استخراج نمود. بر پایه رهنمود قرآن در تشکیل زندگی خانوادگی می‌توان به حسب آنچه بیان خواهد شد نسبت آرامش و تربیت را با دو عامل مودت و رحمت در سه ساحت بینشی، گرایشی و کنشی ترسیم نمود تا از طریق نفوذ این دو صفت و رسوخ آنها در ساحت‌های مزبور، آن هم با توجه به درک تجلی حضور الهی در زندگی خانوادگی، اهمیت نقش این دو عامل در زندگی مشترک خانوادگی را به نمایش بگذارد.

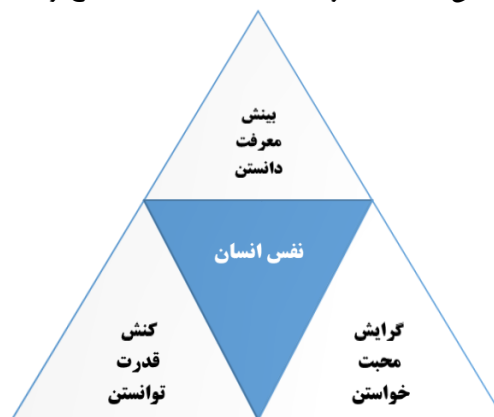
## بازخوانی هرم سه بعدی نفس انسان

طرح هرم سه بعدی نفس انسان را باید از ابتکارات علامه مصباح یزدی برشمرد. وی در این رابطه می‌نویسد:

به‌منظور درک روشن نفس و برای آنکه الگوی ویژه‌ای از نفس داشته باشیم، از طریق تشبیه معقول به محسوس کمک گرفته، نفس را به هرمی تشبیه می‌کنیم که سه سطح

۱. از میان صفات شخصیت در یک طبقه‌بندی می‌توان به سه دسته صفات خُلُق، انگیزشی و توانشی اشاره کرد. «صفات خُلُقی مربوط می‌شوند به اینکه چگونه یک نفر رفتار می‌کند، صفات انگیزشی مربوط می‌شوند به اینکه چرا یک نفر رفتار می‌کند و صفات توانشی اشاره دارند به اینکه تا چه اندازه‌ای با چه سرعتی یک نفر می‌تواند کاری را انجام دهد» (فیست، ۱۳۸۶، ترجمه محمدی، ص ۴۵).

جانبی دارد. اینکه می‌گوییم سه سطح به تناسب شناخت و برداشتی است که ما از نفس داریم و می‌خواهیم بر اساس آن طرح پیشنهادی خود را ارائه دهیم هرچند ممکن است با دقت بیشتر معلوم شود که نفس ابعاد بیشتری دارد و در اینصورت شبیه به هرمی است که ابعاد بیشتری داشته باشد. ... حال اگر بپرسید چرا به هرم تشبیه شده و وجه شبه آن دو چیست؟ در پاسخ می‌گوییم تشبیه به هرم بدین لحاظ است که تا نقطه رأس هرم نمایانگر وحدت مقام نفس باشد که همه سطوح مفصل و متعدد به اجمال در آن نقطه متحد می‌شوند یا به وحدت می‌رسند. ... این هرم مشبّه به ما دارای سه سطح جانبی است تا نمایانگر شئون مختلف نفس و ابعاد سه‌گانه آن باشد که بترتیب عبارت‌اند از: ۱. بعد آگاهی و شناخت نفس ...؛ ۲. بعد قدرت ...؛ ۳. بعد محبت ... (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۳۲-۳۳).



بر همین اساس، علامه مصباح توصیه می‌کند خواسته‌های انسان هر می‌شکل باشد و نه مکعبی شکل. وی در توجیه این سخن چنین اظهار می‌دارد:

خواسته‌های برخی از افراد دارای سیستمی است و شبیه یک هرم است. در مجموعه خواسته‌های این افراد خواسته‌های پهن و گسترده‌ای وجود دارد که در قاعده این هرم است. این خواسته‌ها شامل تأمین زندگی، تربیت فرزند، رسیدگی به همسر، مسائل امنیت داخلی و... می‌شود. این خواسته‌ها در سطح بالاتری جمع‌تر می‌شود و تا به رأس هرم می‌رسد که یک نقطه است و آن نقطه تعیین‌کننده همه خواسته‌های آنهاست. اما کسان دیگری نیز وجود دارند که فکرشان مانند مکعب است که البته این مکعب نیز ممکن است چند رویه داشته باشد. در این رویکرد چند چیز در کنار هم برای این افراد هدف است و هیچ‌گاه نیز به یک هدف و یک نقطه نمی‌رسند. اگر ما این مسئله را درست تصور کنیم و بدانیم همه فعالیت‌هایمان باید به شکل یک هرم در یک نقطه متمرکز شود و سعی کنیم زندگی‌مان را بر همین اساس تنظیم کنیم، راه درست را در پیش گرفته‌ایم؛ یعنی باید اگر حرفی می‌زنیم یا سکوت می‌کنیم؛ اگر کاری انجام می‌دهیم و یا اگر رأی می‌دهیم، همه برای خدا باشد و نه غیر آن. هر اندازه انسان کارهایش فقط برای خدا باشد، مقامش نزد

خدا، بالاتر می‌رود و هر قدر برخلاف این باشد، مقامش تنزل یافته تا جایی که از چارپایان نیز بدتر می‌شود. فقط برای خدا! (مصباح یزدی، ۱۳۹۷/۵/۲۵، سخنرانی).

سعی مقاله بر این است که با نگاهی به الگوی خانواده بهنجار و تجلی انوار الهی بر نظام خانواده و با نظری به طرح هرم سه بعدی نفس انسان به تفسیری که بیان گشت آرامش خانواده را در پرتو مودت و رحمت خدادادی از جنبه تربیتی-روان‌شناختی مورد تجزیه و تحلیل قرار داده، تسری آثار ارزشمند این دو خصلت شایسته به تربیت فرزندان و نوادگان، همچنین اثرپذیری جامعه و فرهنگ و منش اجتماعی را از این دو ارزش والا تبیین نماید.

### تجلی آیات الهی در نظام خانواده

قرآن، ضمن اشاره به عناصر تشکیل‌دهنده زندگی مشترک خانوادگی و طرح مسائلی مرتبط با آن، نظام خانواده را به مثابه آیاتی از آیات الهی تلقی کرده است تا اولاً سطح برداشت از چنین زندگی را ارتقا بخشد و ثانیاً آن را گواهی بر وجود با عظمت و سراسر رحمت و حکمت و کمال و جمال و تدبیر و آفرینش و خلاقیت خداوند قرار دهد. انسان در بعد معرفت با تفکر در خصوص نشانه‌های برجسته الهی در قلمرو تشکیل خانواده، به حضور خداوند پی خواهد برد و با آیات حکمت و کمال و جمال خداوندی آشنا خواهد شد و از این آیات برای ایجاد و تثبیت آرامش خانوادگی الهام خواهد گرفت. در این راستا، از باب نمونه، آیه ۲۱ از سوره روم معیار این برداشت خواهد بود. در آیه مزبور، خداوند چندین مرتبه حضور خویش را به بیان زیر اعلام فرموده است. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم، ۲۱):

۱. «مِنْ آيَاتِهِ»، ناظر به نشانه‌های علم و حکمت و قدرت و... خداوند؛

۲. «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا»، ناظر به آفرینش زوجین برای یکدیگر از

ماهیت و با هویتی واحد در راستای نیل به آرامش؛

۳. «جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»، ناظر به ایجاد مودت و رحمت بین زوجین؛

۴. «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»، ناظر به تفکر در آیات الهی مرتبط با نظام آفرینش

زندگی خانوادگی.

بدین ترتیب، خداوند در آیه مزبور دست‌کم چهار مرتبه جلوه‌گری فرموده است، یعنی اینکه از منظر الهی ازدواج و تشکیل زندگی خانوادگی خواستی پسندیده و مورد خشنودی خداوند است و تحقق بخش منویات الهی در گسترش نسل انسانی و پیشگیری از مفاسد فردی و اجتماعی است. ازدواج بدین لحاظ نه تنها در پیشگاه خداوند بسیار ارزشمند می‌باشد، بلکه دوست‌داشتنی‌ترین

بنای اسلامی است که توسط زن و مرد پایه‌گذاری می‌شود. چنین برداشتی با روایتی به نقل از پیامبر اکرم ﷺ تأیید می‌گردد که فرمودند: «ما بُنِيَ بِنَاءٌ فِي الْإِسْلَامِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ التَّرْوِيجِ» (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۳۸۳)، از منظر اسلام، در نزد خدا بنیانی محبوب‌تر از ازدواج بنا نشده است. نقش و تأثیری که اعضای یک خانواده در مرتبه نخست بر یکدیگر دارند - از محبت زوجین و والدین و فرزندان و خواهران و برادران نسبت به یکدیگر گرفته تا تشریک مساعی در حل و فصل مسائل جاری خانواده - در سایه هیچ نظام و تشکیلات دیگری به اندازه نظام خانواده میسر نخواهد بود. زن و شوهر با شناخت وظایف خود، به سبکی که خداوند تدبیر فرموده است، می‌توانند با نهادینه‌سازی مودت و رحمت در ارتباط با یکدیگر چتر آرامش را بر فضای زندگی خانوادگی خود بگسترانند و با جانمایی این دو عامل عاطفی در قلمرو هریک از اضلاع سه‌گانه روان، در اندیشه گسترش و تربیت نسل خود باشند. در این رابطه باید انسان نسبت به جایگاه و اهمیت تشکیل زندگی مشترک خانواده آگاهی و معرفت لازم و کافی به دست آورد تا در اثر چنین شناختی میل و گرایش او برای ازدواج و تشکیل خانواده برانگیخته شود، سپس در راستای تحقق این امر خطیر با اراده و اشتیاق گام بردارد.

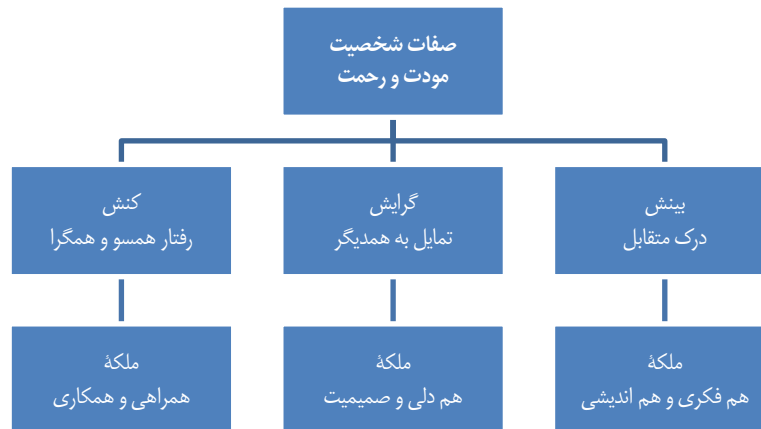
### نقش هماهنگی سه بعد نفس در دستیابی زوجین به آرامش زمینه‌ساز تربیت

سکن ریشه «لَسْكُنُوا» ضد حرکت و به مفهوم آرامش است و در رابطه با اموری همچون باد و هوا و گرما و سرما و باران و خشم و غضب و فشار و اضطراب، آنگاه که از شدت و طوفانی بودن و برانگیخته شدن باز می‌مانند و به آرامش می‌رسند، به کار می‌آید (ر.ک. ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۲۱۱). به سگان کشتی نیز از این جهت سگان گفته می‌شود که به واسطه آن کشتی به تعادل می‌رسد و از حرکت و تلاطم ناشی از موج دریا رهایی می‌یابد (همان).

پسران و دختران جوان در آستانه ورود به سن ازدواج معمولاً دچار انواع اضطراب‌ها و نابسامانی‌های ذهنی و روانی و طوفان هیجانات ناشی از آینده‌نگری در زندگی خویش هستند. آنان به‌ویژه نظر به اینکه هنوز تجربه‌ای از زندگی مشترک نیاندوخته‌اند، با مشاهده فرضی کوه مشکلات و سردرگمی‌های پیش رو، افزون بر این، در پاره‌ای موارد و شرایط در اثر غلیان نیروی شهوانی، خود را ناتوان از حل و فصل معادلات چند مجهولی زندگی می‌بینند. به همین دلیل به‌تتهایی جسارت و جرئت لازم را برای ورود به زندگی مشترک نداشته، خویشان را نیازمند هم‌فکری و پشتیبانی دیگر بزرگتران، به‌ویژه والدین و خواهران و برادران و در شرایطی محتاج همکاری دیگر بستگان دور و نزدیک و حتی دوستان و آشنایان با تجربه خویش می‌دانند.

به‌علاوه، اقتضای نیازهای جنسی و عاطفی، آنان را بر این می‌دارد که درصدد انتخاب راهکاری مناسب به منظور ارضای صحیح و مشروع این قبیل نیازها برآیند. با توجه به هدف دستیابی به آرامشی که قرآن با تعبیر «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا» از آن یاد فرموده است، ازدواج با حفظ شرایط و ویژگی‌های مورد پذیرش شرع و عقل نقطه عطفی برای ایجاد آرامش و رفع دلواپسی‌ها به‌شمار می‌رود (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۱۲۹، قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۰، ص ۱۸۳).

در همین راستا، همان‌گونه که اشارت رفت، آرامش زوجین بیش از همه نتیجه هم‌سویی و هم‌گرایی سه ناحیه بینشی، گرایشی و رفتاری از نواحی روان‌شناختی انسان خواهد بود. این تأثیرپذیری بسته به میزان ثبات این هماهنگی در روان انسان از شخص تا شخصی دیگر متفاوت است. وجود و ظهور و بروز ابعاد سه‌گانه روان می‌تواند نشان‌دهنده ملکه‌ای از ملکات نفسانی نهادینه‌شده در ذهن و روان و رفتار شخص باشد. اصولاً، چه بسا ظهور صفات در مورد یک فرد تنها بیان حالی از احوال او باشد، همچون برقی که می‌جهد و خاموش می‌شود. از باب نمونه، فردی را در نظر بگیرید که تحت تأثیر تبلیغات در خصوص احسان به بیچارگان اقدام به همراهی و کمک مالی می‌کند بدون اینکه احسان به فقرا رویه او شده باشد. همین صفت احسان ممکن است در مورد فرد دیگر انعکاس یک عادت روانی و رفتاری بیش نباشد که هر از گاهی بدون التفات لازم و کافی نسبت به جوانب امر و حتی بدون رغبت و التذاذ از فرد سر می‌زند. اما چنانچه صفت احسان به مستمندان ملکه انسان شد، یعنی آنقدر در روان انسان رسوخ و نفوذ کرد که از حد حال و عادت گذشت و به یک ملکه تبدیل شده باشند، در این صورت انسان برخوردار از ملکه احسان به دلخواه و با اراده و التفات و آگاهی و رغبت کامل نسبت به انجام یک امر اقدام می‌کند. صفتی که ملکه انسان شد جزو صفات و ویژگی‌های شخصیتی وی خواهد شد و به این سادگی زایل شدنی نخواهد بود. بر این اساس، مودت و رحمت هنگامی در زندگی مشترک زناشویی آثار ماندگار تربیتی برجای خواهند گذاشت که جزو صفات شخصیت شوند و به صورت ملکه درآیند. در این صورت، برحسب پوشش صفات شخصیت نسبت به ابعاد سه‌گانه بینشی و گرایشی و کنشی، و متناسب با صفات مودت و رحمت به ترتیب سه ملکه هم‌فکری و همدلی و همراهی به ظهور می‌رسند و زمینه گسترش و تربیت و رشد و تعالی فرزندان و سرانجام نسل بشری را فراهم می‌آورند.



### آرامش در سایه مودت؛ ابراز میل و محبت

مودت از ریشه ودد (وَدَّ) به مفهوم دوگانه محبت و تمنی می‌باشد؛ دوستی و تمایل دو یا چند نفر نسبت به همدیگر به‌گونه‌ای که حال یکدیگر را تا حد اعلی در همه شرایط مراعات بنمایند. راغب با اشاره به اینکه یکی از صفات خداوند به حکم آیاتی چون آیه ۱۴ از سوره بروج<sup>۱</sup> و آیه ۹۰ از سوره هود،<sup>۲</sup> و دود بودن اوست، و دود بودن را به مثابه دوستی و علاقه متقابل خداوند و بندگان صالح خداوند برشمرده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ص ۸۶۰). با این وصف، خشنودی خداوند از بندگان شایسته خویش عنصر دیگری است که از واژه «الْوَدُودُ» استنباط می‌شود و یا یکی از لوازم آن به شمار می‌رود (ر.ک. ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۱۶۵). بر همین اساس، روایت شده است که خداوند خطاب به حضرت موسی علیه السلام فرمود: من نه از بندگان صغیر خویش به خاطر کوچکیشان غافل هستم و نه از بندگان بزرگ خویش به خاطر بزرگی‌شان، که من و دود شکور (دوستدار و سپاسگزار و قدردان آنان) هستم.<sup>۳</sup>

به بیان بالا، خداوند مابین زن و شوهر مودتی قرار داد که پیرو آن زوجین نه تنها به یکدیگر علاقه نشان می‌دهند، بلکه افزون بر علاقمندی، نسبت به همدیگر رضایت و تمایل نیز ابراز می‌دارند. منظور از مودت در آیه ۲۱ روم هدیه الهی ناظر به ایجاد نوعی علاقه و دل‌بستگی دو جنس مخالف نسبت به همدیگر است که ضمن متمایل ساختن زن و شوهر به یکدیگر موجب رونق و پیشرفت زندگی و زمینه‌ساز گسترش نسل انسانی خواهد بود. در هر صورت، این

۱. إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ (۱۲) إِنَّهُ هُوَ يُبْدِي وَيُعِيدُ (۱۳) وَهُوَ الْغَفُورُ الْوَدُودُ (بروج، ۱۴).

۲. وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ (هود، ۹۰).

۳. زُورَىٰ أُنَّ اللَّهُ تَعَالَىٰ قَالَ لِمُوسَىٰ: أَنَا لَا أَغْفَلُ عَنِ الصَّغِيرِ لِصَغَرِهِ وَلَا عَنِ الْكَبِيرِ لِكِبَرِهِ. وَأَنَا الْوَدُودُ الشَّكُورُ (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۸۶۰).



علاقه‌مندی و رضایت‌مندی بین زوجین، به مثابه پایه‌ای از پایه‌های بنیادین آرامش باید ایجاد شود و بینش و گرایش و کنش زن و شوهر را تحت تأثیر قرار دهد تا غرض اصلی از تشکیل خانواده و گسترش و تربیت صحیح و شایسته نسل انسان حاصل گردد. نظر به اهمیت فراوان عنصر مودت و رحمت و نقش چشمگیرشان در برپایی زندگی مشترک، رسالت ایجاد چنین علاقه‌مندی را خداوند خود بر عهده گرفته است.

### آرامش در سایه رحمت؛ بارش مهربانی و عطوفت

رُحْم و رحمت در کاربرد زندگی انسانی از جنبه‌ی واژه‌شناختی همیشه با نوعی دلسوزی و اظهار مهربانی همراه است. کاربرد این واژه در رتبه‌ی الهی تنها بر احسان خدا نسبت به بندگان دلالت دارد، اما مفهومی از دلسوزی به شکل رایج انسانی در مورد خداوند جایگاه ندارد (ر.ک. حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۶، ص ۲۷۴). جالب است بدانیم که رُحْم از ریشه‌ی رَحْم نیز به معنای «نازک‌دلی و مهربانی که مستلزم آموزش و نیکی باشد» تفسیر شده است (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۴۲۶). رحمت همچون مودت هم به خداوند نسبت داده می‌شود و هم به بندگان خداوند؛ در مورد خداوند صرفاً نشان از توجه و احسان و رزق الهی به انسان دارد و در مورد انسان دلالت بر دلسوزی و دل‌نازکی و توجه و احسان راحم نسبت به مرحوم دارد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۶۹).

به عبارتی دیگر، رحمت هدیه‌ای است که با ظاهر و باطن و جسم و روح و روان شخص دریافت‌کننده رحمت سازگار باشد. پایین‌ترین سطح رحمت این است که بتوان زیان و یا آزاری را از شخص سزاوار رحمت برطرف ساخت و عالی‌ترین سطح رحمت این است که بتوان حجاب از چهره حقیقت برگرفت و شخص را با حقیقت آشنا ساخت (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۱۶، ص ۲۷۴).

رحمت از جانب خداوند میان زن و شوهر برقرار می‌گردد تا آن دو، بدون چشم‌داشت از یکدیگر، در مقام پاداش خدماتی که در حق همدیگر انجام می‌دهند و یا زحماتی که بابت همدیگر متحمل می‌شوند، نسبت به یکدیگر مهربانی بورزند. افزون بر این، بخشایش و بخشندگی وجه معنایی دیگری از رحمت است که در مواقع بروز ناسازگاری‌ها، زن و شوهر توصیه می‌شوند همدیگر را عفو کنند و درصدد انتقام‌جویی از یکدیگر برنیایند تا آرامش لازم در محیط خانواده تأمین گردد و در نتیجه شیرازه زندگی‌شان فرو نیفتد و زنجیره وابستگی اعضای خانواده از هم نگسلد و زمینه برای تربیت درست و اصولی نسل انسان مساعد گردد.

### وجه تمایز مودت و رحمت

مودت نوعی علاقه‌مندی، بلکه در مواردی شیدایی دختر و پسر نسبت به یکدیگر است که بسته به

بلوغ جنسی بیشتر در آستانه ازدواج آن دو با یکدیگر شکوفا می‌گردد، رحمت اما نوعی مهرورزی است که بیشتر به هنگام نیاز دو طرف به همدیگر و یا یک طرف به دیگری بروز می‌یابد. از آنجاکه ممکن است آن شیدایی و به اصطلاح قرآن آن مودت اولیه به دلیل پاره‌ای ناملایمات و چالش‌ها تداوم نیابد و به تدریج رنگ ببازد (ر.ک. ابراهیمی‌پور و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۳۹۹ و ۴۰۴-۴۰۵)، خداوند اساس آفرینش انسان را به عنصر دیگری به نام رحمت مجهز و مزین فرموده است تا به هنگام نیاز زن و شوهر به یکدیگر از استعداد فطری خویش در مهرورزی نسبت به هم بهره‌برداری کنند و زندگی مشترک خویش را تداوم بخشند و با تولید نسل گسترش دهند. بنابراین، در مودت مهربانی و مهرورزی نهفته است اما در رحمت لزوماً عشق و محبت و شیدایی نهفته نمی‌باشد. مودت مستلزم نوعی تمایل طرفینی است؛ تمایلی که دختر و پسر را برای ازدواج با یکدیگر برمی‌انگیزاند، در صورتی که رحمت مستلزم نوعی ترحم نسبت به فردی است که از کمالی محروم گردیده است و یا از کمبود و نقصی و یا کم و کاستی رنج می‌برد؛ ترحمی که انسان را به مهرورزی و بخشندگی نسبت به فرد مورد نظر به وصفی که بیان گشت برمی‌انگیزاند. مودت بیشتر در آغاز راه است و رحمت بیشتر در امتداد و پایان راه. مودت اغلب دوسویه است که از طرف زوجین به یکدیگر ابراز می‌گردد، در صورتی که رحمت غالباً یک سویه است و با حالتی از ایثار یکی از زن و شوهر نسبت به دیگری ابراز می‌گردد (همان، ص ۳۵۱).

علامه طباطبایی مودت را به ظهور آثار محبت در ساحت عمل تفسیر کرده، آن را همانند نسبت خضوع به خشوع دانسته است. در واقع، از این منظر محبت نوعی احساس و حالت روانی است که انسان در ذهن و خیال و اندیشه خویش نسبت به کسی می‌پروراند و مودت بروز آثار و براینده چنین محبتی در عمل و سلوک رفتاری محب نسبت به محبوب است، همچنان که خضوع در برابر خداوند از باب نمونه ظهور و بروز آثار خشوع در برابر اوست. خشوع خود حالتی نفسانی ناشی از درک عظمت و کبریایی حقتعالی می‌باشد. رحمت اما در نگاه علامه حالتی روانی ناشی از مشاهده محرومیت و ناکامی فرد محروم از کمال است که برای محرومیت‌زدایی سخت نیازمند کمک و همراهی دیگران می‌باشد. در نظام خانوادگی زن و شوهر با برخورداری از مودت و محبت نسبت به یکدیگر می‌کوشند تا به پشتوانه رحمتی که از درگاه الهی دریافت داشته‌اند در حق فرزندان خوردسالشان که ناتوان از تأمین نیازهای خویش هستند ترحم بورزند و برای امرار معاش آنان و امنیت و تغذیه و حراست و محافظت از آنان چاره‌اندیشی کنند. اگر والدین از چنین رحمتی برخوردار نباشند باید شاهد فروپاشی و انقطاع نسل بشر بود (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۱۶۶).

### تسری مودت و رحمت به نیاکان و نوادگان

از منظر اسلام، اهل به مفهوم خانواده با ازدواج دختر و پسر و تشکیل زندگی مشترک معنا می‌یابد و در اثر آن حقوق متقابلی بین زن و شوهر وضع می‌گردد. اسلام بر مراعات این حقوق توسط هر دو همسر تأکید ورزیده، سامان‌دهی زندگی مشترک را رهین رعایت کامل این حقوق می‌داند. گسترش نظام خانواده با تولد اولین فرزند محقق می‌شود و بسته به جنسیت و ترتیب ولادت و تعداد فرزندان ارتباطات خانوادگی رنگ و رو پیدا می‌کند. هر اندازه این ارتباطات قوی‌تر و کارآمدتر و صمیمانه‌تر باشد، کانون خانواده برای تعلیم و تربیت مهیاتر و نتیجه‌بخش‌تر خواهد بود. به نظر می‌رسد خداوند اساساً مودت و رحمت را به منظور زمینه‌سازی برای تولد فرزند و گسترش دایره نظام خانواده بین زن و شوهر برقرار ساخت (ر.ک. همان، ج ۲، ص ۲۱۳). علامه طباطبایی به همان مفاد مودت و رحمت مورد نظر در زندگی خانوادگی، با تکیه بر اطلاق آیه به بیان اهمیت نقش این دو عامل مهم در تربیت و پیشرفت و رفاه و تعالی زندگی در ساحت اجتماعی می‌پردازد و اظهار می‌دارد آحاد انسانی در اثر ابراز مودت به یکدیگر زمینه را برای انتشار رحمت و مهربانی نسبت به ضعیفان و مستضعفان و افراد و جوامع فقیر و نابرخوردار فراهم می‌آورد (همان، ج ۱۶، ص ۱۶۶).

ازدواج، به مثابه عامل اصلی تشکیل و گسترش نظام خانواده، طرح و نقشه از پیش تعیین یافته الهی است. خداوند انسان را همچون بسیاری دیگر از انواع موجودات و اشیاء جفت آفرید.<sup>۱</sup> برخورداری از ماهیت و نوعیت و هویت یکسان اقتضای جفت بودن موجودات است که خداوند در خصوص انسان با تعبیر «مِنْ أَنْفُسِكُمْ (از خودتان)» به این حقیقت تصریح فرموده است. بدین بیان، عبارت «مِنْ أَنْفُسِكُمْ (از خودتان)» قبل از هر چیز بر یگانگی و هم‌سنخی هویت زن و مرد دلالت دارد. جفت بودن انسان زمینه‌ساز به هم پیوستگی و ازدواج زوجین قرار داد. بدیهی است زوجیت مرد و زن، ایجاب می‌کند که به‌رغم یکسانی هویتشان، دارای ویژگی‌های خاص مردانه و زنانه باشند تا از یکدیگر بر پایه آن ویژگی‌های خاص متمایز گردند. در این میان، افزون بر ظاهر متمایز، زوجین دست‌کم از جنبه ژنتیک نیز دارای کروموزوم‌هایی متفاوت از یکدیگر هستند. شرح این تمایز را می‌توان از منابع دانش ژنتیک، همچنین از فصول مربوط به رشد ژنتیکی از کتب روانشناسی رشد استخراج کرد. (ر.ک. گروه مؤلفان، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۸۴-۱۸۵؛ و برک، ۱۳۸۱، ص ۷۳-۷۴).

خانواده شامل نیاکان از گذشته‌های بسیار دور دور تا نسل‌های متمادی پیش رو تا آینده‌های

۱. وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (ذاریات، ۴۹)؛ وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَاراً وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلُ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (رعد، ۳)؛ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ أَنْبَاتٍ شَتَّى (طه، ۵۳).

2. Laura E. Berk.

بسیار دور دور می‌باشد. به این دو فراز از دعاهای قرآنی توجه کنید: **وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا** (فرقان، ۷۴)، آنان که می‌گویند بار پروردگارا! همسران و ذریه ما از فرزندان و نوادگان ما را نور چشمانمان بخشای و ما را پیشوای پرهیزکاران قرار ده. **رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ \* رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ** (ابراهیم، ۴۰-۴۱)، پروردگار من! مرا و نسل مرا برپادارنده نماز قرار ده، همچنین دعای ما را اجابت فرما (هنگامی که از تو می‌خواهیم که) بار پروردگارا روزی که میز حساب به‌پا می‌گردد بر من و والدینم و ایمان آورندگان ببخشای. جالب اینکه در آیه نخست، دو نسل حاضر و آینده به هم پیوند خورده‌اند تا یک خانواده را تشکیل دهند و نور دیدگان یکدیگر باشند و پیشوایی پرهیزکاران را آرزو کنند. ذریات در این آیه شامل نسل حاضر و آینده و آمده و هنوز نیامده می‌شود. در آیه دوم نیز سه نسل حاضر و آینده و گذشته به هم پیوند خورده‌اند تا خانواده اهل نماز را تشکیل دهند و در نتیجه غفران الهی نصیب حالشان گردد. به دلیل همین گستردگی طولی نظام خانواده است که اسلام این همه بر زنده نگه‌داشتن یاد و خاطره درگذشتگان با یادکردن از خوبی‌هایشان در همه احوال (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۲۰۲) و به همان اندازه و یا بیش از آن بر اندیشیدن برای تربیت نسل‌های شایسته، به‌ویژه تربیت بر محبت پیامبر و اهل بیت و تلاوت قرآن در هر شرایطی تأکید می‌ورزد (قرشی، ۱۴۱۲، مقدمه، ص ۲).

در این مرحله نیز همچنان که در آغاز تشکیل خانواده بیان شد، مودت و رحمت و ایمان و اخلاق و روابط عاطفی زن و شوهر از ارکان ایجاد آرامش و تربیت و گسترش نظام خانوادگی به‌شمار می‌روند. بنا به فرمایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نقل از حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام: **أَحْسَنُ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ أَلْطَفُهُمْ بِأَهْلِيهِ وَ أَنَا أَلْطَفُكُمْ بِأَهْلِي**، (ابن بابویه، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۳۸)، شایسته‌ترین مردم از جنبه ایمانی کسانی هستند که اخلاقشان شایسته‌تر است و نسبت به خانواده خویش مهربان‌ترند و من نسبت به خانواده‌ام مهربان‌تر هستم (کنایه از اینکه ایمان و اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله از همه شایسته‌تر است). افزون بر این، آن امام همام در رهنمود دیگری به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: **أَقْرَبُكُمْ مِنِّي مَجْلِسًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِيهِ**؛ (همان)، نزدیک‌ترین شما از جنبه جایگاه در روز قیامت به من خوش اخلاق‌ترین شما و بهترینتان نسبت به خانواده است.

تداوم مودت و رحمت میان زن و شوهر توأمان با خوش‌خلقی و خوش‌رفتاری نسبت به یکدیگر موجب تحول روان هر دو در ساحت بینش و گرایش و کنش می‌گردد و رفته‌رفته به تشکیل ملکه آرامش در وجودشان می‌انجامد. چنین ملکه‌ای آثار فراوان تربیتی را به دنبال دارد که از جمله برخی از آثار دنیوی و اخروی آن عبارت‌اند از: نسل سالم، زندگی شیرین، دلبستگی به زندگی مشترک،

استحکام پایه‌های زندگی مشترک، انس و الفت، نجات از جدایی، سلامت جسمی و روانی، تربیت فرزندان شایسته، عمر طولانی، افزایش رزق و روزی، نجات از فشار قبر، و بهره‌مندی از پاداش‌های اخروی (ر.ک. طوسی، ۱۳۹۱، ص ۳۶۸-۳۸۰).

بدیهی است آثار این مودت و رحمت در نسل بلکه نسل‌های متمادی آنان از سطح محدود خانوادگی فراتر خواهد رفت و در سطوح مختلف اجتماعی و مدنی گسترش خواهد یافت و موجب می‌گردد رفته رفته افراد یک جامعه نسبت به یکدیگر بر پایه ابراز مودت و رحمت رفتار کنند. در چنین وضعیتی است که انسان‌های برخوردار به بیچارگان و درماندگان و ضعیفانی که از تأمین نیازمندی‌های حیاتی خود ناتوان‌اند با مهر و رحمت و عطوفت برخورد خواهند کرد و در نتیجه جامعه بشری رو به آرامش و سامانی خواهد رفت و از مفساد اجتماعی کاسته خواهد شد (ر.ک. علامه طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۱۶۶).

#### رعایت حد اعتدال در ابراز مودت و رحمت

والدین موظف‌اند برای برخوردار شدن از فرزند صالح و تندرست همواره به درگاه خداوند دعا کنند و شکرانه نعمت فرزند شایسته را به خوبی ادا نمایند. بدیهی است نادیده انگاشتن این نعمت بزرگ خطای نابخشدنی خواهد بود. قرآن در این رابطه می‌فرماید: *هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهَا لَسْتُنَّ آتِيَّتَنَا صَالِحًا لَنُكَونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ \* فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلْنَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيهَا آتَاهُمَا فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ*؛ او کسی است که شما را از یک نوع آفرید و جفت او را نیز از همان نوع قرار داد تا با او به آرامش برسد. پس همین که شب با جفت خویش خلوت کرد به حمل سبکی باردار شد و زمان سپری گشت تا به تدریج (با شکل‌گیری جنین) آن حمل سنگین شد. در این اثنا هر دو زن و شوهر به درگاه خدا دعا کردند که چنانچه خداوند به آنان فرزند تندرستی عطا فرماید، به جدّ از شاکران خواهند بود. اما همین که خداوند به آنان فرزند تندرستی عطا فرمود، برای خداوند در خصوص نعمتی که به آن دو عطا فرموده بود شریکانی در نظر گرفتند. خداوند از هر شرکی که مردم برایش در نظر بگیرند میراست (اعراف، ۱۸۹-۱۹۰).

منظور از شرک در این آیه نوعی شرک خفی است که در حل و فصل امور جاری زندگی انسان غیر خدا را کنار خدا قرار می‌دهد و برای غیرخدا به اندازه خدا نقش و عاملیت قایل است. «این در نوع بشر بسیار معمول است چون در مخمصه و لا علاجی واقع شود به خدا روی آورد و چون از بلا‌رهایی یابد باز به عوامل متوسل شده و مشرک می‌گردد» (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۹).

از منظر تربیت اسلامی، نقش والدین در درجه اول این است که با ایمان و اخلاق و رفتار شایسته و ابراز مودت و رحمت بایسته تلاش کنند نور خدا و اولیاء الهی را بر فضا و جو خانواده بتابانند و فرزندان خویش را برای خدا و به خاطر جلب خشنودی خدا دوست بدانند، نه اینکه آنان را بر خدا برتری بخشند که نتیجه اش فراموشی خدا و سرانجام از خدا بریدن و گرفتار هوای نفس شدن خواهد بود. از این نگاه، انسان باید به خانواده و خاندانش مودت و رحمت بورزد، اما نه تا حدی که علاقه او به والدین و فرزندان و برادران و خواهران و همسران و خاندان و قوم و قبیله و طایفه و ایل و تبار بر محبت وی نسبت به خداوند و پیامبر و مجاهدت در راه خدا برتری یابد. قرآن در این رابطه هشدار داده، می فرماید: **قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَحْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ**؛ (ای پیامبر ما) بگو چنانچه والدین و فرزندان و برادران و خواهران و همسران و طایفه و اموالی که به چنگ آورده اید و تجارتی که از کسادیش بیمناکید و خانه هایی که به آن دل بسته اید در نظرتان از خدا و پیامبر و مجاهدت در راه خداوند دوست داشتنی ترند، پس منتظر بمانید تا فرمان خدا برسد که خداوند فاسقان را هدایت نمی فرماید (توبه، ۲۴). از حضرت امام صادق علیه السلام نیز روایت شده که فرمودند: «هیچ کس ایمانش به خداوند خالص و ناب نمی گردد، تا اینکه خداوند در نزد او محبوب تر از خویشتن و پدر و مادر و فرزندان و فامیل و همه مردم باشد» (ابن طاووس، ۱۳۸۰، ص ۱۹۲-۱۹۳).

### نسبت قوامیت مرد بر زن با ابراز مودت و رحمت

یکی از نسبت هایی که خداوند مابین مردان و زنان مقرر فرموده است از صدر آیه ۳۴ سوره نساء به دست می آید که می فرماید: **الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ...** (نساء، ۳۴)، مردان قوام بر زنان هستند (اولاً) به این دلیل که خداوند برخی را بر برخی دیگر برتری بخشیده است (به مردان بابت انجام کارها و فعالیت های سخت و طاقت فرسا جسم و روحیه قوی تری و توانایی تدبیر بیشتری عطا فرموده است و (ثانیاً) از این جهت که مردان بخشی از اموالشان را (برای معیشت و رفاه همسرانشان) انفاق می کنند (و این از جمله وظایف و رسالت مردان در حق همسرانشان است). سؤال این است که قوامیت شوهر چگونه با ابراز مودت و رحمت از جانب او نسبت به همسر قابل جمع و توجیه می باشد؟

برخی از مفسران همچون علامه طباطبایی واژه قوام را نشان از فزونی عقل و درایت مردان نسبت به زنان دانسته و آن را به سطحی فراتر از نظام و چارچوب خانوادگی سرایت داده و اظهار

داشته‌اند زمام آن دسته از امور عام اجتماعی، نظیر شئون حکومتی و قضاوت و دفاع و رزم که می‌سزد با نیروی عقلانی اداره و تدبیر شود مسئولیت خطیری است که از عهده مردان برمی‌آید و باید به مردان سپرده شود تا به دور از سلطه عواطف و احساسات و امیال نفسانی آن را به انجام برسانند. جامعه بشری باید بر محور عقلانیت و تدابیر عقلی اداره شود (ر.ک. علامه طباطبایی، ج ۴، ص ۳۴۷).

اظهارات علامه و سایر مفسران منافاتی با این ندارد که آیه به‌طور خاص، به‌ویژه با توجه به دنباله آن، در ساحت خانوادگی مورد ملاحظه قرار گیرد و ناظر به جایگاه زن و شوهر تفسیر گردد. با نگاه از این زاویه به تبیین آیه می‌پردازیم. واژه قوام، صیغه مبالغه قیام، از نظر راغب اصفهانی به معانی اصلاح‌کننده، یاور، نگهدارنده، پایداری توأم با آگاهی، ملازم و همراه، محافظ تعبیر و تفسیر شده است. وی همچنین «قوام علی اهل» را مردی دانسته است که همواره از شئون و منزلت خانواده خویش محافظت می‌کند و نسبت به خیر و مصلحت خانواده خویش همیشه هشیار و بیدار است (راغب، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۶۵).

در واژه‌نامه «فرهنگ ابجدی» قوام به معنای «خوش قامت، نیرومندی که زمام امور را بتواند به دست بگیرد...» ترجمه شده است (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۷۱۰) واژه قوام را همچنان می‌شود به حکم مبالغه بودنش به معنای بسیار ایستاده و پایدار و ثابت ترجمه کرد. این واژه در هر صورت دلالت بر رسالتی دارد که تحققش نیازمند توانمندی و مقاومت و پایداری است. و از این رو انجام چنین رسالتی از میان دو جنس بر دوش مردان گذاشته شده است که به‌طور طبیعی از توانایی فکری و روحی و جسمانی بیشتری برای اداره اموری که مستلزم پایداری و استقامت بیشتری است برخوردارند. از آن گذشته صرف توان و نیروی فکری و جسمانی برای کسب درآمد و پس از آن صرف تمام و یا بخشی از درآمد حاصل برای رفاه و معیشت زنان وظیفه مهم و خطیری است که نیازمند گذشت و ایثار مردان نسبت به زنان آن هم از روی مودت و رحمت است. وجه قوامیت مردان بر زنان از ادامه آیه روشن می‌گردد که بیانگر دو وظیفه سنگینی است که خداوند به مصلحت و منفعت زنان و به زحمت و مشقت مردان بر دوش مردان قرار داده است. از این رو، مردان اولاً برحسب همین رسالت موظف‌اند از قدرت و توانایی بیشتری که خداوند به آنان عطا فرموده است برای اداره زندگی مشترک و تقدیر معیشت استفاده کنند و دست‌کم به قدر کفایت برای کسب درآمد و تدارک هزینه‌های زندگی تلاش و مجاهدت به خرج دهند و ثانیاً از درآمدشان برای رفاه خانواده با رضایتمندی کامل و خاطری آسوده و با قلبی آکنده از مودت و رحمت و پیراسته از هرگونه کینه و تنگ نظری هزینه کنند. خداوند این زحمت و رنج و مرارت را از دوش زنان برداشته است تا آنان نیز

با آرامش خاطر با استفاده درست از موقعیتی که همسرانشان برایشان فراهم آورده‌اند به سهم خویش در تولید و پرورش و گسترش نسل انسانی کوشا باشند.

با توجه به تحلیلی که بیان گشت، نظر به رهنمودهایی چند از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسیار راهگشای زندگی مشترک مسالمت‌آمیز و سرشار از الطاف الهی خواهند بود:

«الرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ فَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ؛ مرد، سرپرست خانواده است و در مورد اعضای خانواده بازخواست می‌شود. زن نیز محافظ و مراقب خانه و اعضای خانواده است و در این مورد از وی سؤال می‌شود» (ورام بن ابی فراس، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۶).

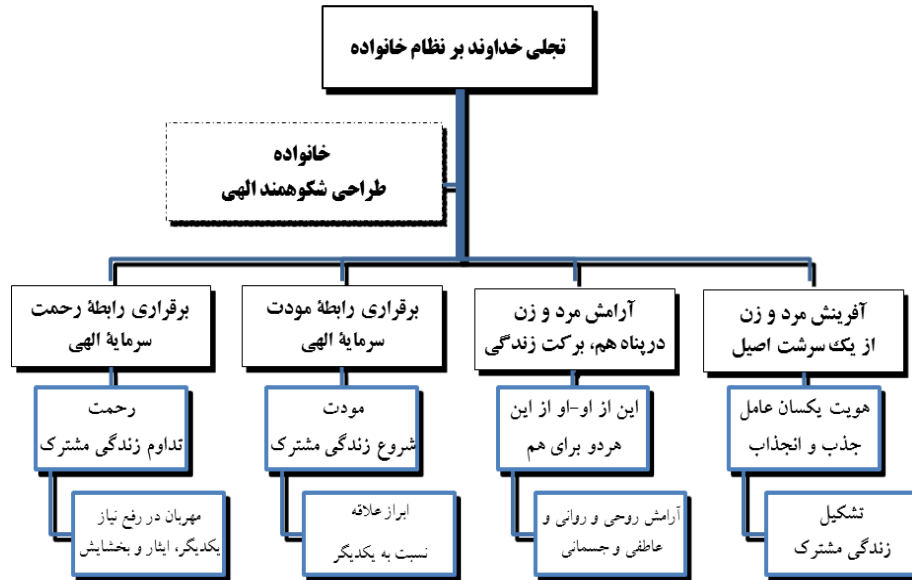
«خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي مَا أَكْرَمَ النِّسَاءَ إِلَّا كَرِيمٌ وَلَا أَهَانَهُنَّ إِلَّا لَئِيمٌ، بهترین شما کسی است که برای خانواده‌اش بهتر باشد، و من از همه شما برای خانواده ام بهترم، زنان را گرامی نمی‌دارد، مگر انسان بزرگوار و به آنان اهانت نمی‌کند مگر شخص پست و بی‌مقدار» (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۴۷۲، ح ۱۵۲۰).

«يا علي: خِدْمَةُ الْعِيَالِ كَفَّازَةٌ لِلْكَبَائِرِ وَ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ، وَ مُهُوِّرُ الْحُورِ الْعِينِ، وَ تَزِيدُ فِي الْحَسَنَاتِ وَ الدَّرَجَاتِ، يا علي: خدمت به خانواده، كفاره گناهان كبيره و خاموش‌كننده خشم خداوند و مهریه حورالعین و زیادکننده حسنات و درجات است» (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۳۰۶).

«يا علي: لَا يَخْدِمُ الْعِيَالَ إِلَّا صَدِيقٌ أَوْ شَهِيدٌ أَوْ رَجُلٌ يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؛ يا علي: به خانواده خود خدمت نمی‌کند مگر صديق یا شهيد یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او می‌خواهد» (شعیری، بی‌تا، ص ۱۰۳، مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۱، ص ۱۳۲).

رهنمودهای نبوی نه‌تنها نشان می‌دهند که چرا باید مردان قوامون علی النساء باشند، بلکه فراتر از آن چگونه قوام بودن مردان را نیز به تصویر می‌کشاند. امور خطیری چون پذیرش مسئولیت رسیدگی به امور معیشتی و رفاهی همسر، بهترین پشتیبان برای همسر بودن، با خوش‌خلقی تمام با همسر برخورد کردن و با نیتی پاک و بر پایه مودت و رحمت در خدمت همسر قرار گرفتن از جمله راهکارهایی هستند که با مقاومت و مجاهدت مردان به ثمر می‌رسند و آرامش لازم را بر محیط خانه و خانواده حکم‌فرما می‌سازند. همه این امور و بیشتر از اینها در رهنمودهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تجلی یافته‌اند. طرح پیش رو به الگویی قرآنی از خانواده بهنجار و تشکیل زندگی مشترک و روابط متقابل زن و شوهر بر پایه مودت و رحمت و جایگاه و نقش زمینه‌ساز آن در گسترش و تربیت شایسته نسل انسان اشاره دارد:





### زمینه‌ساز گسترش و تربیت شایسته نسل بشر در پرتو عنایات و الطاف الهی ناظر به زندگی مشترک خانوادگی

انسان هنگامی می‌تواند به خوبی و شایستگی تمام به ارزش و اهمیت زندگی مشترک خانوادگی پی برد که در خصوص الطاف و عنایات خداوندی به مثابه آیات تکوینی و تشریحی الهی به تفکر بپردازد. بنا بر اظهارات علامه طباطبایی در تفسیر «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»، تفکر در اصول تکوینی ناظر به زندگی مشترک زن و شوهر و مودت و رحمت میان زوجین و تأمل در زوایای آشکار و نهان زندگی خانوادگی انسان را به شگفتی وامی‌دارد. بر این اساس، عقل هر متفکر و اندیشمندی نسبت به تدابیر الهی انجام پذیرفته در گسترش و بقاء و کمال نسل انسانی در ساحت زندگی دنیوی و اخروی واقعا حیران می‌ماند (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۶، ص ۱۶۷).

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تشکیل زندگی مشترک آن هم به هدف رسیدن به آرامش روحی و روانی، هنگامی ثمربخش، ماندگار و آرام‌بخش خواهد بود که از پشتوانه سرنوشت‌سازی چون مودت و رحمت برخوردار باشد. خانواده بدین وصف با رعایت دو اصل مودت و رحمت آن چنان مورد توجه ویژه خداوند قرار گرفته است که خداوند این پدیده را از زمره آیات الهی برشمرده و حضور چندجانبه خویش را در آن تجلی بخشیده است. این آیه تنها در آیه آفرینش زن و مرد برای یکدیگر خلاصه و محدود نمی‌شود،

بلکه می‌تواند ناظر به نشانه‌های حکمت، قدرت، تدبیر و مدیریت، کمال، جلال و جمال الهی نیز باشد. تأمل و تفکر در آیات آفرینش مرد و زن برای یکدیگر موجب می‌شود زوجین به اهمیت نقش و جایگاه مودت و رحمت در زندگی فردی و جمعی بهتر پی ببرند و زمینه گسترش نسل بشری را بر پایه این دو خصلت انسانی بیشتر فراهم آورند.

در واقع، بر اساس طرحواره‌هرمی شکل ابعاد سه‌گانه بینشی، گرایشی و کنشی نفس، انسان هنگامی به پشتوانه مودت و رحمت به آرامش مطلوب در زندگی خانوادگی خواهد رسید که اولاً برحسب بعد بینشی نسبت به ارزش این دو صفت و نقش آن در ایجاد و گسترش آرامش در دو سطح زندگی خانوادگی و اجتماعی کاملاً آگاه باشد؛ ثانیاً برحسب آگاهی به جانب مودت و رحمت میل و گرایش پیدا کند؛ ثالثاً از جنبه کنشی بابت ایجاد و تثبیت مودت و رحمت در هر دو سطح زندگی تلاش و جدیت به کار بندد. تأکید بر اهمیت رعایت مودت و رحمت در تعامل انسانی مابین زن و شوهر از سطح ارتباط این دو تن در آغاز زندگی مشترک فراتر رفته، دامنه‌اش وجود نسل بعدی و نسل‌های متمادی برخاسته از این زندگی مشترک را دربر می‌گیرد. بزنگاه مسائل تربیتی خانواده نو بنیان از همین نقطه حیاتی و کلیدی نشأت می‌یابد و به نسل‌های بعدی یکی پس از دیگری سرایت می‌کند. بدین ترتیب، آفرینش مرد و زن برای تشکیل زندگی مشترک هم حکیمانه و از روی تدبیر است و هم می‌تواند با رعایت موازین و شرایط آرام‌بخش و کمال‌آفرین باشد.

از آنجاکه صفات شخصیت‌پدران و مادران و خلق و خو و سیرت آنان در نسلشان تأثیر می‌گذارد، چنانچه والدین وجودشان سرشار از مودت و رحمت باشد و در حالتی از عشق و محبت به یکدیگر اقدام به فرزندآوری و تربیت فرزند کنند و در دوران پرورش نسل خویش بر ابراز مودت و رحمت مابین خود از یک طرف و مابین خود و فرزندان از طرف دیگر پایدار بمانند، می‌توان به ظهور و گسترش نسل‌ها و جوامع شایسته امیدوار بود. از آن گذشته، نه تنها آرامش و سلامتی روحی-روانی خانواده، بلکه آرامش و سلامتی روحی و روانی جامعه نیز رهین انتشار و فراگیر شدن مودت و رحمت می‌باشد؛ هرچه مودت و رحمت میان افراد یک جامعه بیشتر گسترش یابد، جامعه از میزان و سطح سلامتی عالی‌تری برخوردار خواهد شد. ادامه بررسی در این خصوص مجال دیگری را می‌طلبد. چنین مبحثی به تنهایی می‌تواند موضوع یک پژوهش مستقل و همه‌جانبه نگر قرار گیرد.

## منابع

۱. ابراهیمی پور، قاسم و دیگران (۱۳۹۵)، شاخص‌های خانواده مطلوب از دیدگاه اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد (۱۳۶۷)، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، تحقیق و تصحیح محمود محمد طناحی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تحقیق و تصحیح مهدی لاجوردی، تهران: نشر جهان.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۸۰)، ادب حضور (ترجمه فلاح السائل)، ایران-قم: انتشارات انصاری.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، تحقیق و تصحیح: جمال الدین میردامادی، بیروت: دار صادر، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۷. برک، لورا ای (۱۳۸۱)، روانشناسی رشد (از لقاح تا کودکی)، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: نشر ارسباران.
۸. بروجردی، آقا حسین (۱۳۸۶)، جامع احادیث الشیعیه، تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، تهران: انتشارات فرهنگ سبز.
۹. بستانی، فواد افرام (۱۳۷۵)، فرهنگ ابجدی، ترجمه مهیار، رضا، تهران: انتشارات اسلامی.
۱۰. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، تهران: دنیای دانش.
۱۱. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، محقق/مصحح: علی هلالی و علی سیری، بیروت: دارالفکر.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، تصحیح: صفوان عدنان داوودی، بیروت-دمشق: دار القلم-الدار الشامیه.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴)، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ترجمه خسروی حسینی، غلامرضا، تهران: انتشارات مرتضوی.

۱۴. شعیری، محمد بن محمد (بی تا)، جامع الأخبار، نجف: مطبعه حیدریه.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۱)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: اسماعیلیان.
۱۶. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تحقیق و تصحیح احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی.
۱۷. طوسی، اسدالله (۱۳۹۱)، همسران شایسته، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۸. فیست، جس و فیست گریگوری جی (۱۳۸۶)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران: نشر روان.
۱۹. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق)، تفسیر الصافی، تحقیق و تصحیح حسین اعلمی، تهران: مکتبه الصدر.
۲۰. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، تحقیق و تصحیح حسین درگاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۲۲. گروه مؤلفان (۱۳۷۴)، روانشناسی رشد با نگرش به منابع اسلامی، ج ۱، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۲۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۷)، سخنرانی "فقط برای خدا"، پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مصباح یزدی، شماره ۸۰۶۸.
۲۵. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۳۶۹)، مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام، ترجمه تنبیه الخواطر، ترجمه محمدرضا عطایی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.